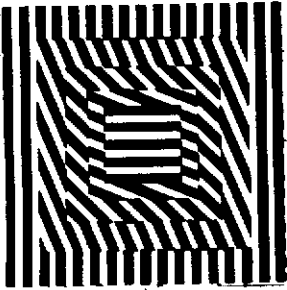




باید در انتخاب الگوی توسعه، با تکیه به ارزشها و واقعتهای جامعه و بابر خورداری از مکتب الگوی ویژه خودمان راپی ریزی نمائیم.



* اگر توجه کنید امروزه گندم بعنوان یک کالا در دست آمریکا و کانادا و قدرتهای بزرگ است و در جهان سوم عموماً ما با کمبود این کالا مواجه هستیم.

* در رابطه با جهاد من عظیم ترین نقش را در تأثیر فرهنگی جهاد می دانم و این مهمترین سرمایه جهاد هست.

* اگر جهاد به نحوی حرکت بکند که همان حساسیت روزهای اول را نسبت به آرمانها و اهداف مردم مسلمان داشته باشد، سر بلند و موفق خواهد بود.

در آستانه دهه مبارک فجر، سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی گفتگویی داشتیم با برادر میر حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران که ضمن تشکر و قدردانی از لطف و محبت ایشان نسبت به محله «جهاد» متن کامل مصاحبه را ذیل می خوانید:
● بعنوان اولین سؤال نظر و دیدگاه خودتان را نسبت به جایگاه روستا و کشاورزی در

برنامه ریزی برای توسعه همه جانبه کشور
بفرمائید؟

بسم الله الرحمن الرحيم، مسئله روستا و کشاورزی ابعاد مختلفی برای نظام ما دارد و روستاها بسر می برند و اینها عموماً

که مهمترین بعد مسئله جنبه انسانی قضیه است.

هم اکنون نسبت زیادی از جمعیت کشور ما

نیروهائی معتقد به اسلام و انسانهائی هستند تلاشگر که در حقیقت برای خود کفائی کشور، استقلال کشور و حفظ و حراست از نظام جمهوری اسلامی به آنها تکیه داریم. طبیعی است نقشی که برای این قشر عظیم در آینده کشورمان، و در برنامه‌ریزی توسعه کل کشورمان در نظر گرفته میشود. متناسب با عظمت خود موضوع باشد.

مسئله دوم موضوع خود کفائی در امر کشاورزی است که ما مجبور هستیم برای اینکه نان خود را از گندم خودمان بخوریم و در این رابطه متکی بر قدرتهای بزرگ نباشیم، و آنها نتوانند در مواقع حساس بر ما فشار وارد سازند، باید از نظر کالاهای استراتژیک کشاورزی خود کفا باشیم.

این موضوع در دو سه ساله اخیر برنامه‌های دولت را بشدت تحت تأثیر خود قرار داده است. در ضمن به این نکته مهم نیز باید توجه بشود که ارزش مواد غذایی که ما از خارج وارد می‌کنیم در مقایسه با فولاد و در مقایسه با سایر کالاها خیلی بالا نیست، اما ارزش سیاسی این نوع کالا را نمی‌توان با ارزش دلاری آنها سنجید. اگر توجه کنید امروزه گندم بعنوان یک کالا در دست آمریکا و کانادا و قدرتهای بزرگ است و در جهان سوم عموماً ما با کمبود این کالا مواجه هستیم. کافی است که ما به وضعیت اتیوپی و آمریکا نگاه کنیم و ببینیم که آمریکا مازاد تولیدش را در دریاها و اقیانوسها می‌ریزد ولی به این کشورها کمک نمی‌کند، چرا که اگر آمریکا و همه قدرتهای بزرگ با یک مملکتی خصومت داشته باشند، مسائل انسانی اولین چیزی است که در این میان ذبح و قربانی میشود. بهمین دلیل ما تاهنگامیکه نتوانستیم غذای خود را در داخل کشور خودمان تأمین بکنیم، باید دلپره این مسئله را با جهان امروز داشته باشیم، و این نیز تکیه دارد بر مسئله توجه بیشتر به کشاورزان و رسیدگی به کشاورزی و خوشبختانه الان برادران جهادگرمان در کنار وزارت کشاورزی این کار را انجام می‌دهند.

در کنار این نکته مسئله اشتغال هم بعنوان یکی از مسائل اساسی مدتهاست در کشور ما مطرح است. با تکیه بر کشاورزی، عمران روستاها، بالا بردن سطح بهداشت، بردن صنایع به روستاها و زمینه‌های دیگر کاری که جهاد در پیش گرفته است ما تا حدود زیادی خواهیم توانست این مسئله را حل کنیم و این در سرنوشت سیاسی نظام و در حرکت سالم نظام نقش اساسی خواهد داشت. نکته‌ای را که در همینجا می‌خواستم به آن اشاره کنم اینست که امروز ما روستائیان را بصورت قوی و نیرومند پشتیبان این نظام می‌یابیم، و کارهای جهاد سازندگی و نهادهای انقلابی دیگر اثر خودش را در رشد و آگاهی روستائیان

بخشیده است و خیرهایی که از سطح روستاها داریم حاکی از آن است که گرچه روستاها مشکلات زیادی دارند ولی بیشتر بین نیروهای رزمنده ما از روستاها هستند و این نشان دهنده عظمت پشتیبانی کشاورزان عزیز از



*** امروز که ما با هم صحبت می‌کنیم به نظر من مشکلات مطرحه بین نهادها و سازمانهای دولتی به پائین ترین حد خود رسیده و دائم رو به فروکش کردن است.**

*** اگر آمریکا و همه قدرتهای بزرگ با یک مملکتی خصومت داشته باشند، مسائل انسانی اولین چیزی است که در این میان ذبح و قربانی می‌شود.**

انقلاب اسلامی باشد.

همانگونه که شما ذکر نمودید توجه به روستا و کشاورزی از جنبه رفیع محرومیتها و نیز رسیدن به خود کفائی اهمیت دارد. لیکن این موضوع می‌تواند ابعاد گسترده‌تری هم داشته باشد مخصوصاً وقتی مشاهده می‌کنیم برنامه‌های توسعه در کشورهایی که از الگوهای غربی و شرقی پیروی نموده‌اند با شکست مواجه شده است و امروزه مسئله توسعه کشورهای جهان سوم با محوریت روستا و کشاورزی در بسیاری از مجامع اقتصادی و اجتماعی دنیا مطرح شده است. اگر ممکن است نظر خودتان را در این رابطه بفرمائید؟
-در این زمینه یک موضوع کلی را من در اینجا بیان می‌کنم. ما باید به مدل‌های توسعه

این را بیشتر توضیح می‌دهم و البته به نمونه گویای آن تکیه می‌کنم تا به مسئله خودمان برسیم. الان مجموعه بهره‌ای که برزیل به بانکهای آمریکائی می‌پردازد بابت وامهائی که از آنها گرفته، به اندازه کل درآمد نفتی ما در سال است. عظمت وابستگی را شما در اینجا می‌توانید حس کنید. خوب طبیعی است که برزیل یک کشوری باشد که چه بنگاههای اقتصادی آن و چه حکومتش هر چه آمریکا بگوید عمل کنند. و وقتی توجه کنیم به ۲۰۰٪ تورم موجود در جامعه برزیل و اینکه این تورم دوپست درصد تأثیری در زندگی نخبگان جامعه و قشرهائی که این موجهای اقتصادی را دقیقاً می‌شناسند و از آن بهره می‌گیرند ندارد، خواهیم دید که اینها هر روز جیبشان پرتر و امکاناتشان وسیعتر می‌شود و در طرف دیگر بر اساس گزارشهایی که ما داریم هر روز بر فقر ۸۰-۹۰ میلیون نفر بقیه جمعیت برزیل اضافه می‌شود و شکاف بین قشرهای چاولگر و ثرتمند و وابسته، با مردم محروم این شکور افزوده‌تر می‌گردد. این سرنوشت کشوری هست که هم اکنون اسلحه و کالا هم صادر می‌کند، از نظر صنعتی شدن به واقع هم صنعتی شده است ولی به چه قیمتی؟ به قیمت از دست دادن همه چیز که مهمترین آن از دست دادن انسانیت انسانها است. ما نمونه‌های دیگری هم داریم که ممکن است نمونه‌های کوچکتری باشند ولی بطور کلی نشان می‌دهند که وقتی در انتخاب الگوهای توسعه دقت لازم بعمل نیامده حتی وقتی که ما رشد اقتصادی هم داشتیم، این رشد اقتصادی رفتن به طرف استقلال نبوده بلکه در جهت وابستگی بیشتر این نظام به کشورهای باصطلاح ماندار بوده است. البته وقتی که می‌گوئیم مادر منظور متروپلهای غربی یا شرقی است.

چه در کشورهای جهان سوم و چه در کشورهای پیشرفته با نظر شک و تردید نگاه کنیم و سعی نمائیم با اتکاء به ارزشها و واقعیهائی که در جامعه‌مان هست و با برخورداری از مکتب، الگوی ویژه خودمان را پی‌ریزی کنیم. یک مسئله‌ای هست که معمولاً در رابطه با توسعه گفته میشود و آن اینست که بدون توسعه صنعتی دقیقاً ما نمی‌توانیم مقصد قدرتمندی داشته باشیم. این یک واقعیتی است که شک در آن نیست. منتها همین مسئله که این روش توسعه صنعتی اگر بخواهد با تکیه بر تجربیات کشوری مثل برزیل و بعضی کشورهای دیگر صورت گیرد به همان نسبت نظام ما را تحت سلطه ابرقدرتها قرار خواهد داد. یک نظامی که با نثار این همه خون شکل گرفته و از آن مستضعفین است نمی‌تواند از اقتصادی پیروی کند که مرکزش در متروپلهای آمریکائی و اروپائی است.

پس ما مجبور هستیم که در این رابطه الگوی خاص خودمان را داشته باشیم. خود این الگو، ایجاب می‌کند که اولاً به کشاورزی اولویت دهیم و در کنار آن به توسعه هم با نگاه ویژه‌ای بپردازیم و در انتخاب تکنولوژی و انتخاب وسائل، نوع سرمایه‌گذارها، قوانین و مقرراتی که داریم رعایت مسائلی را بکنیم که بعداً برایمان مشکل‌زا نباشد. اگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی با این شدت تکیه بر شرکت همگانی، دادن وسیله کار به کسانی که این وسیله را ندارند، تکیه بر تعاونیها و جلوگیری از تمرکز ثروت در دست یک عده معدود شده درست برمی‌گردد به همین زمینه‌ها. یعنی اوائل انقلاب هم آن بزرگانی که بودند و بعضی شهید شدند و بعضی هنوز هستند تصورشان بر این بود که در ساختن جامعه باید پیش‌بینی‌هایی که اکنون ما در جهان با آن روبرو هستیم را قبلاً بنمائیم. اما در کنار اینها من اعتقاد دارم عاملی که بیش از همه ما را متوجه روستاها کرده عمق حوادث و اتفاقاتی بوده که ما در این شصت سال گذشته پشت سر گذاشته‌ایم و تجربه کرده و دیده‌ایم. یعنی عملاً در تجارب انقلاب اسلامیمان ضرورت توجه به روستاها را که بیش از نیمی از جمعیت کشورمان در آنها زندگی می‌کنند روز بروز بیشتر احساس کرده‌ایم.

الان گاهی با شیظنتهایی مواجه می‌شویم که مثلاً می‌گویند چرا باید با وجود کمبود انرژی که داریم به روستاها برق‌رسانی کنیم، و این استدلالی است که حتماً شما هم شنیده‌اید.

ما می‌گوئیم که این افتخار انقلاب است که در طول ۵ یا ۶ سال میزان بهره‌گیری روستاها را از برق از ۱۶ درصد به ۵۰ درصد رسانده است. اولاً حتی اگر ما در این اقدام انرژی زیادی را به مصرف می‌رساندیم کارمان توجیه انقلابی، سیاسی و انسانی داشت. ولی وقتی به منحنی استفاده از انرژی برق در بخشهای مختلف نظری بیندازیم خواهیم دید که همین مقدار برق‌رسانی که به روستاها شده و به نظر هم زیاد می‌آید - چون در روز ۶-۷ روستا را برقرار کردن کار بزرگی هست، و حرکت عظیم و گرایش دولت را نشان می‌دهد - در رابطه با اعداد و ارقام رقم کوچکی از مجموعه انرژی مصرفی در سطح کشور را نشان می‌دهد. این بیانگر دستهایی است که می‌خواهد این توجه و گرایش دولت را در رابطه با پرداختن به روستاها قطع نماید. قطع شدن این خدمت به معنای حذف شدن بیست میلیون جمعیت از پشت این انقلاب است، یعنی بی‌پناه گذاشتن انقلاب اسلامی.

در اوائل انقلاب توجه اساسی دولت به مستضعفان شهری بود و پیروان و پشتیبانان انقلاب هم در شهر همین مستضعفان شهری

هستند و اکنون به آنها نیروی عظیم روستائیان اضافه شده است که با همان شدت از انقلاب حمایت می‌کنند. این خدمت بزرگی است که به اعتقاد من «جهاد» انجام داده و حرکت دولت هم در صدد تشدید این موقعیت است. تا هنگامیکه افراد مستضعف جامعه شهری که اکثریت این جامعه را تشکیل می‌دهند و افراد روستائی پشت انقلاب باشند، یقیناً این انقلاب صدمه نخواهد خورد و در اینجا خط دولت هم روشن می‌شود و آن بکارگیری روشها و جهت‌گیریهای است که این نیروی عظیم پشتیبان انقلاب را همچنان نگه‌دارد.

این جهت‌گیریها و اقدامات دولت تا چه حد موفق بوده است؟

در این رابطه کفایت که ماسوهای اسلامی روستائی را در نظر آوریم، صحبتی که عضو شورا در جلسه یامجمعی در شهر می‌کند. من سالهای حدود ۴۸ را در کهنکیلیویه و بویراحمد بودم و با گشت و گذاری که در این منطقه داشتم با محرومیتها و فقر مادی و معنوی و مخصوصاً فقر فرهنگی آنجا آشنائی پیدا کردم.

چندی قبل برادری از همان منطقه که جزو کشاورزان نمونه بود آمده بود اینجا وقتی صحبت می‌کردیم از آگاهی اونسبت به مسائل کشور دچار تعجب شدم انقلاب این تحول را بوجود آورده است. یعنی بیش از اینکه ماروی مادیات انگشت بگذاریم - بندهائی که زده شده، آبهائی که مهار گشته، راههائی که احداث شده، برق رسانیها، کم شدن فاصله مصرف جامعه روستائی با شهری که یک شاخص مهمی است که باید روی آن تکیه کنیم - فقط نظام توانسته باشد بینش و آگاهی روستائیان را نسبت به محیطشان گسترش دهد، و تماسشان را با مسائل عمده جامعه و جهان برقرار سازد، بزرگترین خدمت را انجام داده است.

امروز روستائی ما چشم بسته نیست. مسائل جهان، دوستان و دشمنان انقلاب را می‌شناسد، به سر نوشت انقلاب علاقمند هست و در اثر فعالیتهای متنوعی که از طرف نهادهای انقلابی و سایر ارگانها انجام میشود من فکر می‌کنم که الان روستائی سیاسی‌ترین روستائی در سطح جهان است.

شما در صحبتهایتان به فعالیتهای جهاد اشاره نمودید. اگر ممکن است در رابطه با نقش جهاد در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و اهمیت تداوم این حضور بیشتر توضیح دهید؟ - اهمیت وجود جهاد ابعاد مختلفی دارد. آنجیزی که به ذهن من می‌آید که از ویژگیهای مهم جهاد هست، بردن انقلاب اسلامی به روستاهاست. یعنی آن ارزش عظیمی که جهادگر با وجود خودش به روستاها برده. یک جهادگر برای خدمت به روستاها رفته ولی

این خدمت از موضع یک مامور اداری ستمگر نبوده است بلکه فردی دلسوز و درد آشنائی بوده که روستائیان احساس کرده‌اند او در مقابلشان تواضع دارد، عمیقاً به چیزهائی اعتقاد دارد که آنها عققاد دارند، به ارزشهائی متکی است که آنها اتکاء دارند و در نتیجه به این جهاد گر اطمینان پیدا کرده‌اند، از زبان او ارزشهای انقلاب و برخورد انقلاب را با مسائل برون مرزی و درون مرزی شنیده و به همین نسبت آگاهی سیاسی و معنوی آنها بالا رفته.

بنابراین در رابطه با جهاد من عظیم‌ترین نقش را در تاثیر فرهنگی جهاد میدانم و این مهم‌ترین سرمایه جهاد هست. البته وقتی راجع به این مسئله بحث می‌کنیم بلافاصله بطور منطقی این مسئله هم پیش می‌آید که اگر در جهاد روحیه ایمان، ایثارگری و تکیه بر ارزشهای اسلامی نبود، نمی‌توانست تا این اندازه این ارزشها را منتقل کند. بهمین دلیل نکته دومی هست که سرمایه واقعی جهاد را تشکیل می‌دهد و باید دائم مراقب آن باشید، یعنی حفظ آن روحیه انقلابی و مسکنتی که در اوائل انقلاب در جهاد تبلور پیدا کرد و بحمدالله تا الان هم ادامه پیدا کرده است. یکبار دیگر هم من گفتم که اگر جهاد این روحیه را از دست بسدهد

تسبیدیل خواهد شد به یک اداره ساده، اداره‌ای که معمولاً گرایش به سمتی که مذهب، اسلام و مکتب در عملها وجود نداشته باشد شدید است. اداره‌های ما و کلاسیسم بوروکراتیک جهانی دارای ممیزه مذهب زدائی است. نهادهای انقلابی ما یک ویژگی‌ای که دارند و بوسیله آن جدا می‌شوند از سیستمهای اداری دیگر در سطح جهانی اینست که بعد از دو بیست سال نتیجه‌های که گرفته شده که رفتن بسوی منطقی کردن امور از طریق ادارات مساوی مذهب زدائی بوده، در قالب نهادهای انقلابی ما می‌بینیم که این تجربه دارد مطرح میشود که کارها را می‌توان طوری انتظام داد که مذهب زدائی بوده، در قالب نهادهای انقلابی ما می‌بینیم که این تجربه دارد مطرح میشود که کارها را می‌توان طوری انتظام داد که مذهب را در کارهای خدماتی و اداری دخالت داد و آن را جای مایه اصلی کار قرار داد. این چیزی است که جهاد دارد و البته ابعاد دیگری هم هست که من زیاد راجع به آن صحبت نمی‌کنم.

علاوه بر مطالبی که درباره جهاد فرمودید همانگونه که مستحضر هستید این نهاد انقلابی در زمینه کارهای اجرایی نیز تاکنون فعالیتهای چشمگیری و عظیمی در سطح کشور داشته است. اما متأسفانه گاهی مشاهده می‌گردد که در موضعگیریها بخصوص در رابطه با اختصاص بودجه و اعتبارات توان و قدرت اجرایی جهاد به تمامی مورد نظر قرار نمی‌گیرد.

این دلیل دارد، و دلایل اینست که نهادهای انقلابی وقتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوجود آمدند، نهادهایی جوشیده از دل مردم بودند که وظیفه خود می‌دانستند که در همه چیز دخالت کنند و این حقشان هم بود. یعنی وقتی سیستم اداری بجا مانده برای ما یک سیستم منحطی بود، علاوه بر آن یک جراحی عظیمی نیز بر روی آن شده بود بنحوی که سیستم اداری فرسوده و بی‌خون شده بود و با وجود این طبیعی بنظر می‌رسید اگر نهادهای انقلابی سرنوشت انقلاب را بدست آن نسیارند. مثلا جهاد به اداره‌ای سر میزد و می‌خواست تا ماشین آلات موجود را در اختیار گیرد و به کار اندازد. یا می‌خواست تا پروژه‌ها و طرح‌های خوابیده را به راه اندازد. به همین نسبت جهاد تنوع وظیفه و تنوع کاری پیدا کرد.

هنگامیکه ادارات اندکی سرو سامان پیدا کردند و به خود آمدند نیروهای مذهبی در آنها وارد شدند، ما مصادف شدیم با یک تداخل وظایفی در دستگاه‌های مختلف، که بین ارگان‌های دیگر غیر از نهادهای انقلابی هم این مسئله وجود دارد.

در رابطه با جهاد این مسئله شدیدتر بود، چرا که تماس با مسائل کشاورزی داشت در حالیکه ما وزارت کشاورزی داریم و آنها هم مدعی بودند، در مورد تامین آب با وزارت نیرو مسئله داشت، و همینطور با وزارتخانه‌های مختلف تداخل‌هایی بود. این نشان می‌داد که جهاد با مسائلی درگیر شده بود که وزارتخانه‌های دیگر بصورت رسمی و قانونی متصدی آن وظایف بودند.

البته جهاد هم در این ارتباط کارائی خود را نشان داد. یعنی اگر جهاد نتوانسته بود کار عظیمی صورت بدهد یقینا در این پنج شش سال با تکیه صرف بر کارهای فرهنگی نمی‌توانست زنده بماند. علت اینکه جهاد امروز بصورت قوی در نظام جمهوری اسلامی حضور دارد و وظایف

نسبتا وسیعی هم پیدا کرده بخاطر همان کارهای عظیمی بود که انجام داده است.

در اوائل انقلاب گروه‌های انقلابی از نهادها دفاع می‌کردند و عقیده داشتند تکیه باید بر روی نهادهای انقلابی باشد و عده‌ای هم مخالف این موضوع بودند. من فکر می‌کنم با گذشت زمان تکیه بر نهادهای انقلابی و درگون کردن بنیادی سازمان‌های دولتی به موازات هم پیش رفت.

و امروز که ما با هم صحبت می‌کنیم به نظر من مشکلات مطروحه بین نهادها و سازمان‌های دولتی به پائین‌ترین حد خود رسیده و دائم روبه فروکش کردن است.

ما شرح وظایف مشخصی برای جهاد نداشتیم و این مطلب قانون پیدا کرد. در دولت

*** آنچه در اینجا می‌خواستیم با جهادگران در میان گذاریم این است که رمز موفقیت و بقای جهاد و گسترش آن و راه پیدا کردن به قلب مردم این بوده است که جهاد بصورت قوی شعارهایی که مردم برای استمرار انقلاب می‌دادند و اهدافی که در انقلاب داشتند را احساس کرد و گرفت و خودش نیز فرزند طبیعی ملت بود، رشد کرد و سعی نمود تا نسبت به آن آرمانها و شعارها وفادار بماند.**

*** امروز روستائی ما چشم‌پسته نیست. مسائل جهان، دوستان و دشمنان انقلاب را می‌شناسد، به سرنوشت انقلاب علاقمند هست و در اثر فعالیت‌های متنوعی که از طرف نهادهای انقلابی و سایر ارگانها انجام می‌شود من فکر می‌کنم که الان روستائی ما سیاسی‌ترین روستائی در سطح جهان است.**

*** هم‌اکنون نسبت زیادی از جمعیت کشور ما در روستاها بسر می‌برند و اینها عموماً نیروهای معتقد به اسلام و انسان‌هایی هستند تلاشگر که در حقیقت برای خود کفائی کشور، استقلال کشور و حفظ و حراست از نظام جمهوری اسلامی به آنها تکیه داریم. طبیعی است نقشی که برای این قشر عظیم در آینده کشورمان، و در برنامه‌ریزی توسعه کل کشورمان در نظر گرفته می‌شود متناسب با عظمت خود موضوع باشد.**

این شرح وظایف روشن نبود، آئین نامه تهیه شد تفکیک وظایف بین جهاد و وزارت نیرو در رابطه با مسئله آب کشاورزی و برقراری روستائی، بین جهاد و وزارت نیرو در رابطه با مسئله آب کشاورزی و برق روستائی، بین جهاد و وزارت بهداشتی در مورد آبرسانی به روستاها، بین جهاد و وزارت راه در مورد جاده‌های روستائی تاکنون روشن شده و دائماً مابه سمتی رفته‌ایم که جهاد در چهارچوبی که قانون برایش معین کرده و این قانون هم گرفته

شده از کارهای اولیه‌ای بوده که در سراسر کشور انجام می‌داده، قرار بگیرد.

- در آستانه هفتمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به اینکه جهادگران شما را از حامیان و پشتیبانان بینش و کار جهادی می‌دانند، چنانچه پیام یادآوری برای ایشان دارید بفرمائید؟

- در رابطه با حسن ظن برادران جهادگر این نظر لطف آنهاست. من تنها یک فردی هستم که از اول انقلاب به نهادهای انقلاب امید بسته‌ام و الان هم بعنوان یک شهروند کوچک و حقیر نظام جمهوری اسلامی که به سرنوشت انقلاب فکر می‌کنم احساس می‌کنم که این سرنوشت به سرنوشت نهادهای انقلاب بشدت بستگی دارد. یعنی اگر نبودند این نهادهای انقلاب ما در این نقطه‌ای که هستیم نبودیم، و اگر در آینده هم اینها ضعیف بشوند واقعا در استمرار انقلاب اسلامی مشکل خواهیم داشت.

آنچه در اینجا می‌خواستیم با جهادگران در میان گذاریم این است که رمز موفقیت و بقای جهاد و گسترش آن و راه پیدا کردن به قلب مردم این بوده است که جهاد بصورت قوی شعارهایی که مردم برای استمرار انقلاب می‌دادند و اهدافی که در انقلاب داشتند را احساس کرد و گرفت و خودش نیز فرزند طبیعی ملت بود، رشد کرد و سعی نمود تا نسبت به آن آرمانها و شعارها وفادار بماند.

این شعارها تاکنون خیلی زیاد گفته شده و هم اکنون نیز در جامعه داده میشود. اگر جهاد به نحوی حرکت بکند که همان حساسیت روزهای اول را نسبت به آرمانها و اهداف مردم مسلمان داشته باشد، سر بلند و موفق خواهد بود.

اگر جهادگران این ارتباط نیرومند و علاقمندی و تکیه بر شعارها و اصولی که انقلاب با تکیه بر آن شعارها و اصول پیروز شد را از دست بدهند، کم کم این حرکت خاموش خواهد شد.

ممکن است الان که وزارتخانه داریم از بین نرود. و این موضوع که نهادهای انقلابی باشند یا نباشند همیشه وجود داشته و در دولت

بصورت قوی‌تر مطرح بود. اما در صورت از بین رفتن اصول ممکن است که جهاد از درون دچار پوسیدگی شود و من فکر می‌کنم بیش از هر جای دیگر باید به این ارتباط عمیق بین جهادگران و مردم توجه بشود تا این نهاد در آینده هر چه بیشتر با تکیه بر ارزشها و بستگی عمیق بین جهادگران و آرمانهای انقلاب بتواند نقش خود را ایفا نماید.